

بررسی تطبیقی چشم اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان رودسر)

دکتر نصرالله مولایی هاشجین

دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

سیده مرضیه رودباری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی



چکیده

در بررسی چشم اندازهای روستایی می توان دریافت که در یک سکونتگاه انسانی عناصر مختلف در بستر طبیعی با استفاده از فرهنگ انسانی (خصوصیات جمعیتی، اقتصادی و کالبدی) به زیست خود ادامه داده و در کنش‌های متقابل با یکدیگر گسترش یافته‌اند. در این مطالعه با توجه به این سؤال اصلی که چشم اندازهای فرهنگی در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای چه تفاوت‌ها و تشابهاتی دارند؟ اهداف عمده‌ای همچون بررسی عناصر سازنده چشم اندازهای فرهنگی در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای و تحلیل تاثیرات متقابل این عناصر بر هم و بر محیط روستا با عنوان زنجیره‌های تعاملی و تاثیرگذار، مد نظر قرار گرفته است. در راستای تحلیل این اهداف، شیوه مطالعه به روش توصیفی و تحلیلی به دو صورت مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی بوده و با بررسی تحلیلی چشم اندازهای فرهنگی روستاهای مورد مطالعه شهرستان رودسر به آزمون فرضیه‌ها، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته شده است. از جمله این نتایج عبارتند از: نوع معیشت عامل مهمی در تبیین تفاوت‌های چشم اندازهای فرهنگی روستاها می باشد، ارائه خدمات زیربنایی و روبنایی در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای در تغییرات چشم اندازهای فرهنگی روستاها مؤثر است.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، چشم انداز فرهنگی، روستاهای کوهستانی، روستاهای جلگه‌ای، شهرستان رودسر.

مقدمه

هر مکان دارای صفات مشخص محلی طبیعی، انسانی و فرهنگی است که به آن محل شخصیت، توان و معنای خاصی بخشیده و آن را از فضای مجاورش جدا می‌سازد. فرهنگ نیز در طول زمان یکی از عواملی بوده که بر روی چشم‌انداز طبیعی اثر کرده و اشکال خاصی را روی آن ایجاد کرده است که شامل جمعیت، مسکن‌گزینی، تولید و ارتباطات می‌شود که موجد چشم‌انداز فرهنگی است (بهفروز، ۱۳۷۴، ۱۳). بر این اساس چشم‌انداز فرهنگی به واسطه تأثیرگذاری گروه‌های انسانی و نیروهای درونی جوامع برهم و بر محیط طبیعی ایجاد شده و مطالعه آن برای شناخت فضاهای جغرافیایی که هریک دارای هویت‌ها و صفات متفاوت و مشخص است ضروری می‌نماید (سعیدی، ۱۳۷۷، ۱۰). لذا در این مطالعه نیز با بررسی تطبیقی چشم‌اندازهای روستایی در نواحی کوهستانی و جلگه‌ای، براساس شیوه سطحی نگر و ژرفانگر، به ارائه تفاوت‌ها و تشابهات چشم‌اندازهای فرهنگی در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای پرداخته و آن را به‌عنوان زیربنای مطالعاتی در جهت تحقق بهینه‌سازی برنامه‌ریزی‌های روستایی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

۱ - مواد و روش‌ها

۱-۱ - بیان مساله

در این مطالعه این سؤال اصلی مطرح است که چشم‌اندازهای فرهنگی در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای چه تفاوت‌ها و تشابهاتی دارند؟ این دیدگاه می‌تواند در راستای ضرورت پاسخگویی به این سؤالات مطرح شود که چه نیروهایی در ایجاد، تحول و تغییر چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای تأثیرگذارند؟ و مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی چگونه می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های توسعه فیزیکی مؤثر باشد؟

۲-۱ - اهداف تحقیق

- بررسی تأثیرات عناصر اجتماعی - جمعیتی، اقتصادی و کالبدی در چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای
- ضرورت شناخت نیروهای فرهنگی مؤثر بر چشم‌انداز به منظور بهینه‌سازی برنامه‌ریزی‌های روستایی

۳-۱ - فرضیه‌ها

فرضیه‌های مطرح شده در این مطالعه عبارتند از:
- نوع معیشت روستایی عامل مؤثری در ایجاد تفاوت‌های چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای است.
- مسکن روستایی از مهمترین عناصر در شناخت چشم‌انداز فرهنگی حاکم بر روستا می‌باشند.
- ارائه خدمات زیربنایی و روبنایی در تغییرات چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای مؤثر است.

۴-۱ - روش تحقیق

در این بررسی از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به دو طریق اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه، مصاحبه، مشاهده و ...) برای شناخت و تجزیه و تحلیل استفاده شده است.

۵-۱ - جامعه آماری و متغیرها

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق کل روستاهای شهرستان رودسر می‌باشند که از طریق روش

نمونه‌گیری طبقه‌بندی - تصادفی و بر اساس طبقات ارتفاعی، ۱۲ روستا به‌عنوان نمونه از کل روستاهای شهرستان و ۲۰۰ خانوار به عنوان خانوارهای نمونه روستایی شهرستان مورد بررسی قرار گرفتند. (جدول ۱)

جدول ۱ - روستاهای جامعه نمونه در شهرستان رودسر با استفاده از روش طبقه‌بندی تصادفی

محدوده	ارتفاع	روستا
ساحلی	۰ - ۵۰۰-	چینی جان - قاسم‌آباد علیا - چایخانسر
جلگه‌ای - کوهپایه‌ای	۵۰۰ - ۰	بی‌بالان - سلاکجان - گرمادشت
کوهستانی	۵۰۰ - ۱۵۰۰	کاکرود - زیاز - مازودره
کوهستانی مرتفع	۱۵۰۰ - ۰۰۰	شفیع‌آباد - شوئیل - دشتک

مأخذ: رودباری، سیده مرضیه - ۱۳۸۴ - مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مولایی هسجین، نصرالله، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ص ۶

۶-۱- مبانی نظری تحقیق

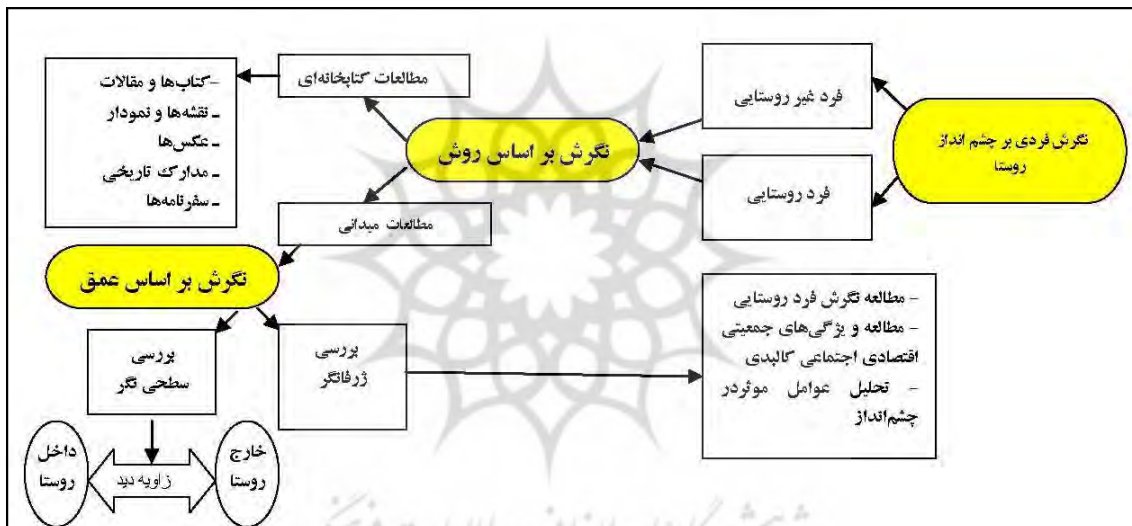
واژه landscape از لغت آلمانی landschaft بر گرفته از مکاتب هنری قرن ۱۷ می‌باشد. در آلمان این کلمه مترادف با ناحیه یا منطقه بود، اما نقاشان از آن به‌عنوان کلمه‌ای برای یک ژانر یا سبک خاصی از نقاشی استفاده می‌کردند، این کلمه به‌تدریج در سایر فنون هنری نیز استفاده گردید (van velse, 2003). لیکن در قرن بیستم این واژه در سایر مطالعات از جمله جغرافیا مورد استفاده واقع شده و به‌واسطه متفکرینی همچون کارل ساور گسترش یافته و زمینه‌ساز مطالعات بعدی گردید (شکویی ۱۳۷۹). از جمله مطالعات در زمینه چشم‌انداز فرهنگی در روستاها، هلن آرمسترانگ در استرالیا به تحلیل تأثیرات میراث فرهنگی این منطقه بر ساختار کالبدی و فضایی آن (Armstrong, 2001) آکادمی چشم‌اندازهای فرهنگی اروپا «Petrarca» به بیان و توصیف چشم‌اندازهای فرهنگی روستایی در قاره اروپا (Petrarca, 2002) و چارلز. ای. برنباوم بر مطالعه مدیریت چشم‌اندازهای فرهنگی در ایالات متحده (Birnboum, 1999) پرداخته‌اند. اگر چه در ایران چشم‌انداز فرهنگی روستایی به‌شکل تخصصی مورد مطالعه قرار نگرفته است با این همه بررسی‌هایی در زمینه عناصر چشم‌انداز به شکل تعاریف، ترجمه و تبیین آن توسط محققینی همچون دکتر تولایی، دکتر قرخلو، دکتر فشارکی، دکتر شکویی و ... مشاهده می‌گردد.

اصطلاح فرهنگ با اندک تمایزی معادل culture زبان فرانسه است که از آوردن، پرورش دادن و کاشتن آمده است (آراسته خو، ۴۶۸، ۱۳۷۰). اگر چه تا دهه ۱۹۵۰ بیش از ۱۵۰ تعریف مختلف فرهنگ جمع‌آوری گردیده (قرخلو، ۱۳۸۳، ۴)، لیکن به‌نظر می‌رسد مفهوم فرهنگ در مکتب چشم‌انداز فرهنگی، هم به نیروهای معنوی و هم مصادیق مادی فرهنگ جوامع اشاره دارد و به معنای "نحوه زندگی" یک گروه از انسان‌ها معرفی می‌شود (جردن، ۱۰، ۱۳۸۲). به نظر ساور چشم‌انداز فرهنگی توسط یک گروه فرهنگی بر چشم‌انداز طبیعی بنا شده است. فرهنگ عامل است، ناحیه طبیعی، واسطه و چشم‌انداز فرهنگی نتیجه آن می‌باشد (Johnston, 1989, 118). امروزه چشم‌انداز فرهنگی تحت تعاریفی همچون چشم‌انداز به‌منزله متن، چشم‌انداز به‌منزله قدرت مسلط، چشم‌انداز روشی برای تعریف و نمادینه کردن محیط پیرامون و .. مورد توجه قرار گرفته و به شاخص‌های توسعه فرهنگی، خصائص فرهنگی، صنایع فرهنگی و ... تاکید می‌ورزد. از سویی

با ذکر این مساله که هریک از گروه‌ها، افراد و طبقات با توجه به خصیصه‌های گروه‌های انسانی و پایگاه‌های اجتماعی خود رفتارهای متفاوتی را بروز می‌هند و ارزش‌های فرهنگی در ارتباط با شرایط محیط اجتماعی، پدیداری و پایگاه‌های اجتماعی مطالعه جداگانه‌ای را می‌طلبند (شکویی، ۱۳۸۲، ۱۴۲)، مطالعه تطبیقی چشم‌اندازها ی فرهنگی می‌تواند به تجزیه و تحلیل این روابط و نیروهای موثر در آن منجر شود. با توجه به نکات مشترک در تعاریف چشم‌اندازهای فرهنگی می‌توان روش نگرش در این دیدگاه را به دو دسته دیدگاه فردی خارج از روستا و چشم‌انداز از نظر روستاییان مورد بررسی قرار داده و آن را براساس عمق نگرش به دیدگاه سطحی نگر و ژرف‌نگر تقسیم نمود (نمودار ۱)

در این مطالعه شاخص‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی- فضایی و نیز تاثیر آن‌ها در بافت روستا و مسکن روستایی به عنوان شاخص‌های چشم‌اندازهای فرهنگی در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای مورد مقایسه قرار گرفته است.

نمودار ۱ - روند نگرش چشم‌انداز فرهنگی



مأخذ: رودباری، سیده مرضیه، ۱۳۸۴، مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مولایی هسجین، نصرالله، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ص ۲۲

۲ - بحث و یافته‌ها

۱-۲- مشخصات محدوده مورد مطالعه: شهرستان رودسر یکی از شهرستان‌های استان گیلان است که با ۱۳۴۰ کیلومتر مربع وسعت، با مرکزیت شهر رودسر، در منتهی‌الیه شرق این استان واقع شده و از سمت شمال به دریای خزر، از سمت شرق به استان مازندران، از جنوب به استان تهران و از سمت غرب به شهرستان‌های لنگرود، املش و سیاهکل محدود می‌گردد. شهرستان رودسر در طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۱۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۷ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۱۳ دقیقه واقع شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰، ۱۷). این شهرستان دارای چهار بخش (مرکزی، کلاچای، چابکسر و رحیم آباد) و ده دهستان (چینی جان، رضامحله، ماچیان، بی‌بالان، اوشیان، سیاهکلرود، رحیم آباد، اشکورسفلی، اشکورعلیا و شوئیل)، ۵ نقطه شهری و ۳۷۹ روستای دارای سکنه می‌باشد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان ۱۳۸۲، ۱۱) توپوگرافی این ناحیه شامل ارتفاع کمتر از صفر سواحل ماسه‌ای دریا، ارتفاع صفر

تا ۱۰۰ متر نواحی جلگه‌ای، ارتفاع ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر نقاط کوهپایه‌ای و ارتفاع ۵۰۰ متر به بالا نواحی کوهستانی می‌باشد (مهندسان مشاور شمال، ۱۳۸۰، ۱۰۰-۷۵). در سال ۱۳۷۵ جمعیت این شهرستان ۱۵۱۹۴۶ نفر بوده که ۴۸ درصد در شهرها و ۵۲ درصد در روستاها ساکن بودند، نرخ رشد جمعیت در سال‌های ۶۵ تا ۷۵، ۰/۰۶ درصد، تراکم نسبی ۱۱۳ نفر در کیلومتر مربع، نسبت جنسی ۹۸ نفر، گرایش به جوان بودن جمعیت، نرخ باسوادی ۷۹/۳ درصد، دین و مذهب غالب اسلام و شیعه و زبان مورد استفاده فارسی با گویش‌های گیلکی و گالشی بوده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۸۱). نسبت فعالیت در این شهرستان در نقاط شهری ۳۷/۱ و در نقاط روستایی ۳۸/۳ بوده و از میان جمعیت شاغل آن در سال ۱۳۷۵، ۴۶ درصد در بخش کشاورزی، ۱۳ درصد در بخش صنعت و ۴۱ درصد در بخش خدمات اشتغال داشته‌اند (سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۷۶، ۹۲). الگوی استقرار سکونتگاه‌ها در جلگه متفرق و نیمه متفرق و در کوهستان حالت مجتمع و متمرکز داشته، مسکن جلگه‌ای کاهگلی، آجری و سنگ بلوک با بام‌های سفالی و حلبی بوده و در نواحی کوهستانی آجری، کاهگلی و چوبی با بام‌های تخته‌ای، حلبی و ... می‌باشد (بازن، ۱۳۷۰، ۸۲-۸۱).

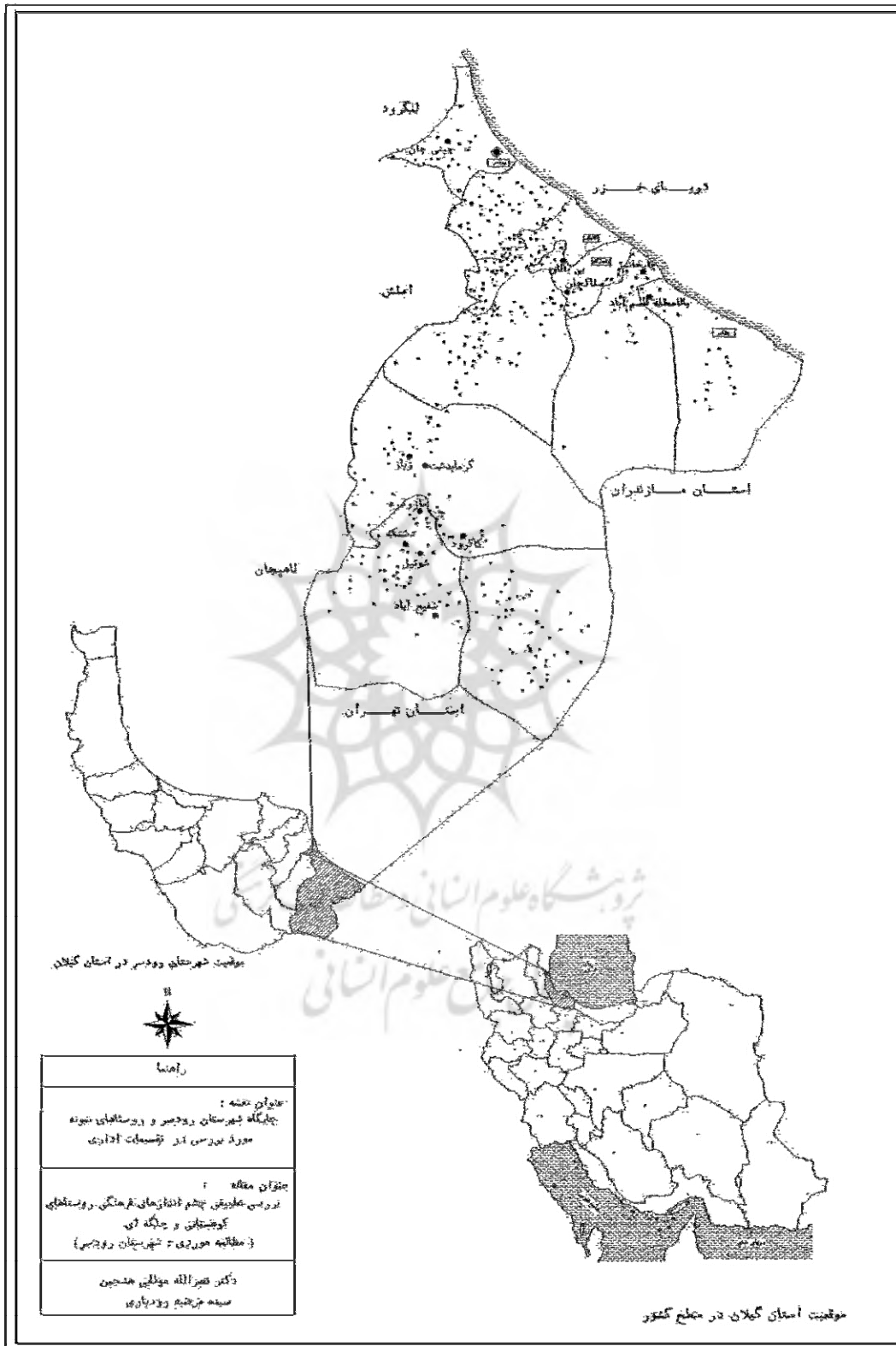
۲-۲- چشم‌انداز طبیعی: شهرستان از نظر نقطه نظر طبیعی، جمعیتی، اقتصادی و کالبدی-فضایی دارای تنوع زیادی می‌باشد. به‌طور خلاصه می‌توان توپوگرافی این ناحیه را به صورت زیر مشاهده نمود: ارتفاع کمتر از صفر شامل سواحل ماسه‌ای دریا، ارتفاع صفر تا ۱۰۰ متر شامل نواحی جلگه‌ای، ارتفاع ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر شامل نقاط کوهپایه‌ای، ارتفاع ۵۰۰ متر به بالا شامل نواحی کوهستانی و جنگلی و محدوده کوهستانی مرتفع شامل نواحی مرتعی (مهندسان مشاور شمال، ۱۳۸۰، ۱۰۰-۷۵) این محدوده‌ها تحت تاثیر آب و هوای معتدل خزری و آب هوای کوهستانی، منابع آب‌های زیرزمینی و آب‌های سطحی بوده و دارای تنوع زیادی در پوشش گیاهی می‌باشد. کشت غالب در روستاهای ساحلی و جلگه‌ای برنج بوده و با افزایش ارتفاع تنوع در کشت بیشتر می‌شود. در قسمت‌های کوهپایه‌ای کشت‌های ترکیبی برنج، باغات چای و مرکبات، در ارتفاعات بالاتر گندم و جو، فندق، گل گاوزبان و در نواحی مرتفع، مراتع دیده می‌شوند.

۲-۳ - چشم‌انداز فرهنگی

براساس عمق نگرش، چشم‌اندازهای روستایی را می‌توان هم به شکل سطحی‌نگر و هم به صورت ژرف‌نگر مورد بررسی قرارداد:

۱- ۲-۳- بررسی سطحی‌نگر: این دیدگاه که می‌تواند دیدگاه یک توریست، مهاجر، مسافر عبوری و هنرمند و ... نیز باشد در حقیقت یک توصیف سطحی‌نگر و شتابزده از چشم‌انداز روستا محسوب می‌گردد. در این نوع نگرش، زاویه و ارتفاع دید مهم است و می‌تواند از مدخل روستا یا درون آن و یا بفرز آن (مانند عکس‌های هوایی) مورد بررسی قرار گیرد در یک بررسی سطحی‌نگر و شتابزده می‌توان چشم‌انداز روستاهای جلگه‌ای و کوهستانی را با اشکال متفاوتی دید.

روستاهای جلگه‌ای دارای یک یا چند خانه (حتی اگر روستا در سطحی وسیع گسترده باشد) یک معبر (معمولاً معبر اصلی روستا)، دورنمایی از زمین‌های زراعی و روستایی‌های که در آن مزارع در حال کار، رفت و آمد و یا استراحت هستند، می‌باشد. لذا در یک بررسی سطحی‌نگر و از ارتفاع پایین یک روستای جلگه‌ای به شکل کامل با تمام عناصر خود دیده نمی‌شود. اما هر چه که به سمت کوهستان نزدیک می‌شویم این نما رنگ و شکل دیگری به خود می‌گیرد. مسکنی در پناه یکدیگر با مصالحی یکدست‌تر از مناطق جلگه‌ای، جلوه‌ای از



نقشه ۱

بامها (که بیشتر شیروانی حلی و به شکل نادری لتپوش است) دورنمایی از مزارع و تفاوت در معیشت که از حالت شالیزار خارج شده و به شکل باغات نمایان می گردند. در حقیقت اکثر روستاهای کوهستانی به آسانی کلیتی از خویش را در معرض دید می گذارند. اگر چه گاه مرکز روستا در کناره راه اصلی واقع شده است که به شکل عبوری می توان دید اما به هرحال در مرکز نماد مذهبی و تجاری و گاه سیاسی در کنار هم واقع شده اند. حتی در روستاهای پراکنده جلگه ای و ساحلی با وجود پراکندگی مزارع، باز هم در هسته اصلی روستا گردهم آمده اند. اما معمولاً مساجد به شکل بارزی در روستاهای جلگه ای، ساحلی، کوهپایه ای و کوهستانی در مرکز روستا مشاهده می شوند (گرمادشت، شوئیل، سلاکجان، چایخانسر). به شکل گسترده این مرکز خصوصاً از روستاهایی که راه اصلی از آن رد می شود در مسیر جاده قرار گرفته اند (چینی جان، بی بالان و ...) در روستاهای کوهستانی نیز، مرکز روستا نمایانگر وجود عنصر مذهبی و تجاری است (شفیع آباد، کاکرود).

مساکن از یک دیدگاه سطحی نگر با زاویه دید داخلی در جلگه از نظر مصالح، معماری، رنگ و طرح از تنوع بیشتری برخوردارند و معمولاً در کنار مزارع به شکل پراکنده دیده می شود. (سلاکجان، قاسم آباد) هرچه به شهر نزدیک تر می شویم خصوصیات معماری شهری بیشتر می شود (بی بالان و چینی جان) اما در روستاهای کوهستانی به دلیل وجود راه های صعب العبور و سختی شرایط طبیعی یکدستی خاصی را در مساکن از نظر معماری و مصالح به نمایش می گذارد. در هر حال کلیتی ساده از روستا در یک بررسی شتابزده چشم انداز تفاوت ها و تشابهاتی جالب توجه را نمایان نموده و می تواند توصیفی مختصر از وضع موجود آن بنمایاند.

۲-۳-۲- بررسی ژرفانگر: علاوه بر بررسی سطحی نگر و شتابزده می توان از چشم انداز روستاها برداشت عمیق تری نمود که ما آن را چشم انداز ژرفانگر عنوان می نماییم. در این دیدگاه با توجه به مطالب مطرح شده می توان دریافت که با تاکید بر تفاوت در روند ارتفاع، تفاوت هایی نیز در چشم اندازهای جمعیتی، اقتصادی و فضایی-کالبدی مشاهده می شود که تا حدودی وابستگی به بستر طبیعی را جلوه گر می سازد و از سویی تشابهاتی نیز وجود دارد که تاثیر سایر عوامل همچون برخی از عوامل تأثیرگذار انسانی را خاطر نشان می سازد. لذا توجه به عوامل و نیروهای فرهنگی (جمعیتی، اجتماعی، معیشتی و فضایی - کالبدی) در تعامل با شرایط طبیعی و سایر نمودهای انسانی برای تبیین عناصر تجلی یافته در چشم اندازهای روستایی (بافت روستا شامل بناهای عمومی، معابر، کشتزارها و ... و مسکن روستایی شامل معماری، مصالح، وسعت، مالکیت، لوازم منزل و ...) در روستاهای نمونه گیری شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲-۳-۲- عامل جمعیت (تعداد، سواد، مهاجرت) در شاخص جمعیت سه عنصر انتخابی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر مسکن و بافت روستا مورد مطالعه قرار گرفتند که نتایج زیر به دست آمد:

تعداد: رشد جمعیت طی سال های ۵۵ تا ۷۵ در روستاهای کوهستانی نسبت به روستاهای جلگه ای کاهش بیشتری داشته و بعد خانوار در هردو محدوده رو به کاهش می رود که نشان دهنده تغییرات جمعیتی در کوهستان و جلگه به دلیل افزایش مهاجرت، کاهش زاد و ولد و ... بوده است و افزایش در بعضی روستاهای جلگه ای به دلیل مهاجرپذیری آنها بوده است. (جدول ۲)

جدول ۲ - تعداد جمعیت، خانوار، بعد خانوار و رشد جمعیت روستاهای نمونه مورد بررسی شهرستان رودسر طی سال‌های ۷۵ - ۱۳۵۵

محدوده	خانوار			جمعیت			بعد خانوار			رشد جمعیت	
	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۵
جلگه	۸۰۲	۹۸۸	۱۲۰۲	۴۴۴۹	۵۱۰۸	۴۹۸۸	۵/۵	۵/۲	۴/۱	۱/۴	-۰/۲
کوهستان	۲۶۳	۲۷۷	۳۴۷	۱۳۱۴	۱۴۵۴	۱۲۲۲	۵	۵/۲	۳/۵	۱/۰۱	-۱/۷

مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۵۶، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان گیلان ۱۳۵۵، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان رودسر ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران ۱۳۷۶ فرهنگ آبادی‌ها شهرستان رودسر ۱۳۷۵.

سواد: درصد باسوادی طی سال‌های ۶۵ تا ۷۵ در روستاهای محدوده‌های جلگه‌ای و کوهستانی دارای افزایش بوده است.

مهاجرت: باتوجه به آمار به‌دست آمده از مطالعات میدانی و باتوجه به تقریبی بودن این ارقام می‌توان دریافت که روستاهای جلگه‌ای و کوهستانی از روند مهاجرتی نسبتاً یکسانی برخوردار بوده و مهم‌ترین دلیل مهاجرت‌ها از روستا به سایر مناطق که معمولاً شهرهای بزرگ است، کار، تحصیل و جاذبه‌های شهری و مهاجرت به روستا استفاده از هوای سالم و مقاصد گردشگری است.

- با مطالعه تاثیر شاخص‌های جمعیت در مسکن و بافت روستا این نتایج به‌دست آمد که میزان تحصیلات و سواد بیشترین تاثیر را در شاخص مسکن خصوصاً در استفاده از مصالح بهتر و لوازم منزل به‌جا می‌گذارد و تعداد جمعیت خانوار و مهاجرت تاثیر چندانی ندارد. در بافت روستا نیز تاثیر تعداد جمعیت روستا در کوچک‌تر شدن زمین‌ها و تاثیر سواد در استفاده از تکنولوژی در کشت موثرتر بوده‌اند.

۲ - ۳ - عوامل اجتماعی (مذهب، زبان، قومیت، صنایع فرهنگی)

در این روستاها، اسلام و شیعه؛ دین و مذهب غالب بوده و در روستاهای جلگه‌ای، زبان و لهجه گیلکی ۱۰۰ درصد و در کوهستان ترکیبی از گیلکی و گالشی به چشم می‌خورد. اگر چه در همه روستاها زبان فارسی به‌راحتی درک شده و رایج است. بر این اساس می‌توان مشاهده نمود که به دلیل مراودات تجاری و اجتماعی با سایر شهرها و روستاهای منطقه و نیز وسایل ارتباط جمعی و آموزش نوعی همپوشی زبانی و درهم آمیختگی زبانی مشاهده می‌شود که تعیین مرز دقیق گویش را با مشکل مواجه می‌سازد.

جدول ۳ - ویژگی‌های اجتماعی، روستاهای نمونه مورد بررسی شهرستان رودسر در سال ۱۳۷۵

نام روستا	دین	درصد	مذهب	درصد	زبان و لهجه			قومیت	
					گیلکی	درصد	گالشی		درصد
جلگه	اسلام	۱۰۰	شیعه	۱۰۰	گیلکی	۱۰۰	-	فارسی	۰
کوهستان	-	۱۰۰	شیعه	۱۰۰	گیلکی	۷۱	گالشی	فارسی	۲۹

مأخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۷۶، فرهنگ آبادی‌های شهرستان رودسر ۱۳۷۵

دین و مذهب: از جمله تاثیرات مشابه مستقیم مذهب، وجود مساجد و زیارتگاه‌ها و بناهای مذهبی بوده اما نوع مصالح به کار رفته در این دو محدوده با توجه به بستر طبیعی تفاوت‌هایی دارد (در نواحی جلگه ای تنوع در مصالح بنا بیشتر و در کوهستان کمتر است) و از جمله تاثیرات غیرمستقیم مذهب تاثیرگذاری در جهت بافت روستا، وجود قوانین ارث، رو به قبله ساختن بناها، درهم آمیختگی عرف و شرع مانند اعتقاد به روزهای خاص مانند دوشنبه و پنجشنبه برای شروع کار یا کشت در هر دو محدوده نسبتا مشابه است. از جمله این تاثیرات در مساکن روستایی رو به قبله ساختن مساکن، استفاده از شمایل‌ها، نمادها و لوازم مذهبی در منزل، قوانین ارث و ... می‌باشد.

زبان و گویش: گذشته از این که زبان از مهم‌ترین عناصر ارتباطی انسان‌ها است، وجود واژگان مشخص هر زبان می‌تواند هم نشانه تاثیرپذیری از محیط طبیعی و هم تاثیرگذاری در روابط انسان‌ها با یکدیگر و با محیط باشد. مثلا می‌تواند به نوعی کارکردهای معیشتی روستا را نشان دهد، مثل کندوج یا تلار که نشانه نوع خاصی از معیشت در جلگه است یا واژه گالش که نشانه نوع شغل می‌باشد. از جمله سایر این تاثیرات می‌توان به امکان بازسازی گذشته فضا به واسطه دستاوردهای زبانی مانند حکایت‌ها، قصه‌ها و کتاب‌ها و ... و نیز نمود وجه تسمیه مکان‌ها توسط واژگان زبانی اشاره نمود.

قومیت: با توجه به بررسی‌های انجام شده به دلیل برخی عوامل مانند استفاده از رسانه‌های گروهی، مهاجرت‌های موقت به شهرها برای اشتغال روزانه و رفتن جوانان برای تحصیل و ... تفاوت‌های قومی در روستاهای هر دو محدوده به‌عنوان یک عامل تاثیرگذار کمتر شده و حتی رواج فرهنگ شهری خصوصا در روستاهای جلگه‌ای بیشتر به چشم می‌خورد و نمی‌توان عامل قومی خاصی را به‌عنوان نیروی مؤثر ذکر نمود.

خدمات و صنایع فرهنگی: با استفاده از تعبیر صنایع فرهنگی مانند رسانه‌های گروهی، کتاب‌ها، نشریات، رایانه و ... و بررسی تاثیرات آن‌ها در فضاهای روستایی می‌توان مشاهده نمود که در این روستاها بیشترین طیف استفاده کننده از رسانه‌های گروهی زنان و مردان جوان و کودکان بوده و بیشترین وسیله مورد استفاده تلویزیون می‌باشد و برنامه‌ها و تبلیغات آن معمولا در استفاده و خرید لوازم منزل تاثیرگذار است. استفاده از مجلات و روزنامه‌ها کمتر مرسوم بوده و تاثیرگذاری از آنان کمتر است. در بافت روستا نیز تاثیر این صنایع به شکل ایجاد فضاهای جدیدی مانند کلوپ بازی‌های رایانه‌ای جهت گذراندن فراغت روستاییان خصوصا جوانان می‌باشد. اگرچه حضور در قهوه خانه‌ها، معابر، کتابخانه‌ها، منازل یکدیگر و رفتن به شهر به‌ویژه در مناطق جلگه‌ای و روستاهای نزدیک به شهر ... در هر دو محدوده مشترک است. در این دو محدوده جز مسجد و بعضی منازل به شکل خصوصی، مکان مشخصی برای برگزاری مراسم سنتی وجود ندارد.

۲-۳-۲ - عامل معیشت (نوع معیشت، درآمد، ذهنیت، بازار)

اگر چه نرخ فعالیت در روستاهای جلگه‌ای نمونه‌گیری شده با ۳۸/۸ درصد بیش از روستاهای کوهستانی با ۲۶/۴ می‌باشد لیکن تعداد شاغلین در روستاهای کوهستانی بالاتر از روستاهای جلگه‌ای و نیز تعداد بیکاران در حد نازلی می‌باشد. در جلگه و کوهستان بیشترین اشتغال در بخش کشاورزی و بعد از آن خدمات بوده است و خصوصا در کوهستان اشتغال در صنعت بسیار نازل است. (جدول ۴)

جدول ۴ - تعداد جمعیت فعال شاغل و بیکار و نرخ فعالیت در روستاهای نمونه مورد بررسی شهرستان رودسر در سال ۱۳۷۵

محدوده	۱۰ ساله و بیشتر	فعال	شاغل	بیکار	نرخ فعالیت
جلگه	۴۲۱۱	۱۶۳۵	۱۴۱۶	۲۱۹	۳۸/۸
ساحل	۱۰۲۱	۲۷۰	۲۶۶	۴	۲۶/۴

ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۸۳، فرهنگ جمعیت فعال آبادی‌های استان گیلان ۱۳۸۲

نوع معیشت: در روستاهای مورد مطالعه شهرستان رودسر و با توجه به معیشت غالب کشاورزی، معیشت از نقطه نظر شاخصهای گوناگون به عنوان عامل تاثیرگذار مورد مطالعه قرار گرفته و مشاهده گردید که در هر دو محدوده طبیعی نوع معیشت از جمله مهم‌ترین عناصر تاثیرگذار بوده و مهم‌ترین نمودهای خود را در بافت روستا به نمایش می‌گذارد. چنانچه بر اساس نوع معیشت می‌توان اختلاف در نوع کشت را مشاهده نمود که روند آن از ساحل تا کوهستان شالیزارهای برنج، چای - برنج - مرکبات، مرکبات - چای، باغات فندق، گل‌گاوزبان، گندم و جو و سپس مراتع را در بر می‌گیرد. اگر چه بعضی محصولات خود مصرفی مانند سبزی و صیفی در همه محدوده‌ها دیده می‌شود. از نمودهای غیرمستقیم نوع معیشت، می‌توان به ارتباط و تاثیرات متقابل انواع معیشت مانند ارتباط بین صنایع روستایی و نوع کشت اشاره نمود، مثل کارخانه فندق‌شکنی در روستای کوهستانی زیاز با توجه به کشت فندق در آن محدوده و یا واحدهای تجاری نخ و ابریشم در روستای قاسم آباد در رابطه با بافت چادر شب و یا واحدهای خدمات توریستی در روستاهای ساحلی قاسم آباد، چایخانسر و

درآمد از معیشت: با توجه به نتایج پرسش‌نامه مصاحبه و مشاهده می‌توان دریافت که سطح درآمد در تمامی عناصر مسکن تاثیرگذار است. پاسخ‌دهندگان اگرچه در بیان میزان دقیق درآمد خود سکوت می‌کنند اما در کوهستان ۸۸ درصد و در جلگه ۹۶ درصد تاکید نموده‌اند که میزان درآمد مهم‌ترین عامل در تنوع کیفیت مصالح مسکن معماری خصوصاً در مناطق جلگه‌ای که امکانات طبیعی قابلیت انعطاف بیشتری دارد می‌باشد. درآمد از معیشت هم‌چنین به استفاده از زمین‌های بیشتر و استفاده از تکنولوژی در کشت منجر می‌شود.

ذهنیت از معیشت: این عنصر از جمله نیروهایی است که تاثیرات غیر مستقیم آن در بسیاری موارد دیده می‌شود و می‌تواند در علاقمند کردن مردم به موطن خویش موثر باشد چنانچه شغل کشاورزی اگر با نارضایتی از شغل و یا ناچاری و ناگزیر بودن به ادامه دادن شغل گذشتگان همراه باشد انگیزه‌های فردی را کاهش داده و همراه سایر مسائل چه در کلیت روستا و چه در رفتارهای اجتماعی و تغییرات جمعیتی مثل افزایش مهاجرت و ... انعکاس می‌یابد. با توجه به پاسخ‌های دریافت شده می‌توان دریافت که تمایل به داشتن شغلی دیگر غیر از شغل فعلی که اکثراً کشاورزی است در جلگه ۶۷ درصد و در کوهستان ۷۲ درصد بوده است. از این تعداد نارضایتی از کار فعلی را به دلیل سختی کار، عدم درآمد کافی، ناچار بودن در ادامه دادن شغل گذشتگان، عدم پشتیبانی دولتی مطرح کرده و ۱۲ درصد نیز این شغل را سطح پایین تلقی نمودند (گروه اخیر در طبقه سنی زیر ۳۰ سال دیده می‌شوند).

بازار: اگرچه بازارها در شهرهای رودسر وجود دارند اما به دلیل تاثیرگذاری در روابط اقتصادی توجه به بازار خصوصاً بازارهای هفتگی در چشم‌انداز روستا مهم است. دو نوع بازار محلی در شهرستان رودسر وجود دارد، یکی بازار شهرهای کوهپایه‌ای مثل رحیم‌آباد و دیگری در مسیر جاده اصلی به موازات ساحل دریای خزر نظیر

بازار رودسر (یکشنبه) کلاچای (پنجشنبه) رحیم آباد (دوشنبه) چابکسر (چهارشنبه) (عظیمی، ۱۳۸۱، ۲۳۴) بازارها از جمله عناصری هستند که می‌توانند به کشت انواع محصولات یا معیشت موجود جهت داده و خود از ارائه محصولات (عرضه) و تقاضای مشتریان (تقاضا) و جریاناتی همچون سیاست‌های دولتی تأثیر گرفته و هم در جهت‌دهی در روند این عرضه و تقاضا تأثیر گذار باشد. علاوه بر آن بازارها علاوه بر مرکز معاملات، محلی برای مراودات اجتماعی، گذراندن اوقات فراغت، مبادلات تفریحی سیاسی و اجتماعی می‌باشند.

۴-۲-۳-۲- عامل فضایی - کالبدی: (خدمات عمومی، دولتی و طرح‌های کالبدی)

مهم‌ترین دلیل استقرار روستا در مناطق جلگه‌ای زمین زراعی و آب (رودخانه) و در مناطق کوهستانی رودخانه و چشمه می‌باشد. در هر دو محدوده بیشتر مسکن ملکی بوده، تنوع مصالح در جلگه بیشتر از کوهستان به چشم می‌خورد. در مناطق کوهستانی ۹۲ درصد مسکن و در جلگه ۳۶ درصد مصالح مسکن را از محوطه روستا تهیه می‌نمایند که این خود نشان‌دهنده وابستگی بیشتر روستایی کوهستانی به محیط طبیعی خویش است. معمار و بنا مسکن جلگه‌ای در گذشته از اشکورات بوده یا در داخل روستا بودند اما در حال حاضر بیشتر از شهر هستند (این مسأله به نوعی در انتقال تفکرات معماری شهری به داخل روستاها می‌تواند مؤثر باشد) اما در کوهستان از ساکنان اشکورات هستند مگر در مورد ساختمان‌های دولتی که از جلگه می‌آیند. استفاده از لوازم منزل همچون برق، تلفن، تلویزیون، یخچال، آب لوله‌کشی و ویدئو در تمامی مسکن روستایی با تفاوت‌های اندکی قابل مشاهده است، که این نشان‌دهنده رواج هرچه بیشتر تسهیلات و امکانات شهری در روستاها چه جلگه و چه کوهستان می‌باشد که مسلماً پیامدهای خاص خود را نیز دارد. حصار مسکن اکنون به دلیل رواج فرهنگ شهری، دسترسی به مصالح جدید و گاه وجود خانه‌های دوم و پرهیز از تماس «رو در رو» با واحدهای همسایه یا عابری در معابر، از مصالحی چون آجر، حلبی، ایرانی، چوب و سنگ بلوک تشکیل شده‌اند اما در کوهستان بیشتر مسکن مورد بررسی حصار نداشته و نیز اگر دیواری داشته‌اند بیشتر به شکل چوبی، پرچین و گیاهان زنده‌ای بوده است که از محیط تأمین می‌گردد. بالاترین رتبه خدمات در نقاط جلگه‌ای خدمات تجاری و معین و در نواحی کوهستانی پوشش امواج رادیو تلویزیونی می‌باشد، در هر دو محدوده ارتفاعی، خدمات ورزشی - تفریحی کمترین میزان را دارا هستند. در محدوده جلگه‌ای تعداد و تنوع خدمات بیش از نواحی کوهستانی است، از نظر رتبه کل خدمات می‌توان مشاهده نمود که رتبه‌های اول تا پنجم خدمات‌رسانی در محدوده جلگه‌ای واقع شده‌اند، در میان خدمات زیربنایی، پوشش امواج رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی و در بین خدمات روبنایی، خدمات تجاری و معین در هر دو محدوده بیشترین خدمات را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۴).

خدمات: ساده‌ترین نمود مستقیم و بارز خدمات، تغییر منظر است. تیرهای برق، راه‌ها، جاده‌ها و واحدهای خدماتی به وضوح ردی از تأثیر انسان را در بستر طبیعی نشان می‌دهند. بعضی خدمات خود، زیرساختی موثر برای ایجاد سایر خدمات بوده و می‌تواند از جمله نمودهای غیرمستقیم آن محسوب شوند مانند خدمات زیربنایی (راه، برق، آب و ..) که از جمله عوامل تأثیرگذار در جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر، ارائه خدمات بهتر، جذب توریست، استفاده از امواج رادیو تلویزیونی و ... باشند. از دیگر تأثیرات خدمات در جمعیت‌پذیری یا جمعیت‌گریزی روستاها موثر دیده می‌شود. در زمینه تأثیر خدمات در مسکن روستایی به وجود کالاهای برقی، بالا رفتن قیمت مسکن در حاشیه جاده‌ها یا کاهش قیمت به خاطر واقع شدن در مسیر معابر در طرح‌های عمرانی روستا می‌توان اشاره نمود.

جدول ۵ - رتبه‌بندی روستاهای نمونه مورد بررسی شهرستان رودسر از نظر ارائه خدمات در سال ۱۳۸۳

درصد	جمع	خدمات روبنایی						خدمات زیربنایی		خدمات	
		ورزشی تفریحی	فرهنگی مذهبی	تجاری و معین	سیاسی اداری انتظامی	مخابرات ارتباطات	بهداشتی درمانی	امواج رادیو و شبکه‌های تلویزیونی	آب، برق، راه، گاز	محدوده	
۱۰۰	۱۷۶	۳	۱۲	۴۹	۱۴	۲۵	۱۹	۳۵	۱۹	جمع	جلگه
-	-	۲	۷	۲۸	۸	۱۴	۱۱	۲۰	۱۱	درصد	
-	-	۷	۶	۱	۵	۳	۴	۲	۴	رتبه	
۱۰۰	۱۱۶	۱	۱۰	۱۷	۸	۷	۲۷	۳۰	۱۶	جمع	کوهستان
-	-	-	۹	۱۵	۷	۶	۲۳	۲۶	۱۴	درصد	
-	-	۸	۵	۳	۶	۷	۲	۱	۴	رتبه	

مأخذ: رودباری، سیده مرضیه، ۱۳۸۴، مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مولایی هسجین، نصرالله، گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، ص ۱۲۹

طرح‌های فضایی-کالبدی: مهم‌ترین خدمات دولتی به شکل وام‌های دولتی جلوه‌گر بوده و هم‌چنین راهسازی در اجرا طرح‌های هادی و نیز ارائه شرکت‌های تعاونی در تغییر این چشم‌اندازها موثر بوده است.

فاصله تا شهر: از جمله سایر تاثیرات مهم فضایی- کالبدی در فاصله روستا تا شهر می‌باشد که به نحوی در سایر عوامل نیز تاثیرات مستقیم و غیرمستقیمی گذاشته است. از جمله آن مهاجرت به شهر برای کار یا تحصیل و تاثیر آن در مسکن و بافت روستا، تاثیرپذیری معیشت و اقتصاد از بازارهای دائمی و هفتگی شهرها، استفاده از خدمات شهری یا رسانه‌های گروهی و صنایع فرهنگی که ریشه در شهر دارند که قبلاً ذکر شد. از دیگر عوامل مهم آن استفاده از مصالح و تاثیرپذیری از طرح و معماری و حتی معماران شهری در مسکن روستایی خصوصاً در نواحی جلگه‌ای و روستاهای نزدیک به شهر، استفاده از خدمات شهری در اوقات فراغت به دلیل سهولت دسترسی، خرید لوازم منزل و ... را می‌توان از جمله تاثیرات شهر محسوب نمود. اگر چه در محدوده مورد مطالعه به دلیل فقدان شهر کوهستانی (که در همه نقاط گیلان دیده می‌شود) بیشترین استفاده روستاییان نواحی کوهستانی اشکورات از شهر کوهپایه‌ای رحیم‌آباد بوده است و روستاییان نواحی جلگه‌ای نیز از شهرهای رودسر، چابکسر، کلاچای و واجارگاه تاثیر می‌پذیرند.

۴-۲ - چشم‌انداز روستا از دید روستاییان

مسکن روستایی از دید روستایی: در جلگه ۸۵ درصد و در کوهستان ۷۲ درصد روستاییان مورد پرسش از مسکن خود رضایت داشتند. در مورد چرایی پاسخ‌ها بیشترین فراوانی به مالکیت مسکن اشاره داشته که در جلگه و کوهستان مشابه بود. در مورد چگونگی مسکن ایده‌ال از دید روستاییان، ۹۰ درصد در هر دو محدوده به مسکنی اشاره می‌کردند که آن را در شهر دیده بودند.

منظر روستا از دید روستایی: در مورد چشم‌انداز روستا نیز علاقه‌مندی آن‌ها در روستا در جلگه بیش از کوهستان دیده شده و در مورد چرایی ماندن در روستا به ناچاری، علاقه‌مندی به زادگاه و وجود مسکن شخصی را مطرح می‌نمودند. درباره زیبایی روستا در جلگه ۷۵ درصد و در کوهستان ۶۶ درصد افراد رضایت داشته و در صورت جواب منفی در کوهستان به ایجاد راه‌های بهتر و در جلگه به نظافت و شهری شدن

چشم‌انداز روستا اشاره می‌نمودند. اما به‌طور کلی ابراز می‌کردند که زیبایی روستا در صورتی که معیشتی وجود نداشته باشد باعث جلوگیری از مهاجرت نخواهد شد.

۳- نتایج

۳-۱- آزمون فرضیه‌ها

باتوجه به مطالب عنوان شده می‌توان دریافت که در یک بستر طبیعی، عناصر اجتماعی - جمعیتی، اقتصادی، فضایی و کالبدی روستاها، دارای روابط و کنشهای متفاوتی می‌باشند که در تأثیرگذاری بر هم به شکل عوامل و نیروهای مؤثر محسوب می‌شوند و به عنوان عناصر و عوامل چشم‌انداز فرهنگی محسوب می‌گردند که در محدوده‌های مختلف طبیعی همچون دو ناحیه بارز جلگه و کوهستان تفاوت‌ها و تشابهاتی را بروز می‌دهند.

در این راستا به‌نظر می‌رسد که فرضیه‌های مطرح شده مورد تایید قرار می‌گیرند:

“معیشت، عامل مهم تفاوت‌ها و تشابهات چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای است.” در میان عوامل مؤثر، نوع معیشت با ارکان خود به شکل گسترده‌ای با تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر شاخص‌های روستا تأثیرگذار بوده است که هم با توجه به میزان تأثیرگذاری در کلیه عناصر چشم‌انداز فرهنگی روستاهای جلگه‌ای کوهستانی، نوعی تشابه را القاء می‌کند و هم با ارائه تنوع در نوع معیشت در محدوده‌های مختلف ارتفاعی، تفاوت‌ها و تشابهاتی را در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای آشکار می‌سازد.

“مسکن عنصر مهمی در تبیین تفاوت‌های چشم‌اندازهای فرهنگی روستا محسوب می‌شود.” مسکن با اجزاء و عناصر خود، محل زندگی انسان بوده و بازتاب مستقیمی از شیوه زندگی، ایده‌آل‌ها (عکس‌العمل‌های ارادی، خواست‌ها و آرمان‌ها و نوع نگرش انسان) به‌شمار می‌رود و در عین حال منعکس‌کننده شرایط محیطی است و بر اساس مطالعات انجام شده تنوع در مسکن در جلگه بیش از کوهستان بوده و فاصله تا شهر نیز در این مسأله تأثیرگذار است. از سویی تفاوت در اجزاء مسکن بر اساس عوامل معیشتی و محیطی دیده می‌شود مثل وجود تالار و کندوج و انبار برنج در جلگه و تنور و طوبله در کوهستان. در کنار این تفاوت‌ها وجود ملکی بودن اکثر منازل در هر دو محدوده و تأثیرپذیری از بستر محیطی و عوامل اقتصادی و می‌تواند از جمله فرآیندهای مشابه در هر محدوده قلمداد شود.

“خدمات زیربنایی و روبنایی در تغییرات چشم‌اندازهای فرهنگی مؤثر هستند.” خدمات علاوه بر آن که بیانگر رشد و توسعه فضایی روستا هستند می‌توانند در جمعیت‌پذیری، توسعه اقتصادی و کالبدی روستاها مؤثر واقع شوند. لیکن بعضی از این خدمات با میزان تأثیرگذاری بیشتر، زیرساختی برای سایر عناصر محسوب می‌شوند مانند برق که خود زمینه ورود لوازم و کالاهای برقی و استفاده از خدماتی چون امواج رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی و ... را مهیا نموده و در بافت مسکن و روستا مؤثر است. یا راه که با درجات و کیفیت خود زمینه‌ساز مهمی در ورود تکنولوژی، تسهیل در رفت و آمد، استفاده از وسائط نقلیه و ارائه سایر خدمات محسوب می‌شود. طرح‌های فیزیکی و بهسازی روستایی نیز در این فرآیند نقش مهمی را در تغییرات چشم‌اندازها ایفاء می‌کنند که این مسأله در هر محدوده کوهستانی و جلگه‌ای کاملاً قابل مشاهده است اگر چه در بسیاری موارد خود تحت تأثیر محیط طبیعی قرار گرفته و از سویی محیط طبیعی را تغییر می‌دهد.

۳-۲- نتایج: از جمله نتایج مهمی که از مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی می‌توان گرفت

عبارتند از:

- چشم‌انداز روستایی از چند طریق قابل بررسی است که از دیدگاه فرد مشاهده‌کننده به شاخص‌های دیدگاه فردی خارج از روستا (شتابزده و ژرفانگر) و دیدگاه فردی درون روستا (چشم‌انداز از نظر روستاییان) تقسیم می‌شود.

- هریک از «عناصر» فرهنگ انسانی در بستر طبیعی روستا، در رابطه با سایر عناصر، می‌تواند «عاملی» مؤثر جهت ترسیم چشم‌انداز باشد و پیچیدگی فرهنگ انسانی در یک سکونتگاه روستایی در تعامل با شرایط محیطی دارای چنان درجات مختلفی بوده که به تفاوت‌ها و تشابهات سکونتگاه‌ها در نواحی مختلف مانند جلگه و کوهستان می‌انجامد و هریک از عوامل مؤثر می‌توانند به شکل «مستقیم» یا «غیرمستقیم» تأثیرات را در چشم‌انداز روستایی آشکار سازند.

- باتوجه به بررسی‌ها می‌توان تفاوت‌ها و تشابهات بارز چشم‌اندازها در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای را به شکل کلی بیان نمود (جدول ۶ و ۷)

جدول ۶ - تشابهات چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای مورد مطالعه در روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای شهرستان رودسر ۱۳۸۳

ویژگی‌ها	تشابهات روستاهای جلگه‌ای و کوهستانی
جمعیت	- کاهش بعد خانوار و نرخ رشد جمعیت طی ۳۰ سال اخیر - افزایش درصد باسوادی - افزایش مهاجرت - تشابهت دلایل مهاجرت: کار، تحصیل، جاذبه‌های زندگی شهری
مذهب، زبان، قومیت	- دین و مذهب غالب و مشترک (اسلام، شیعه) و مسجد بنای بارز مشترک - زبان فارسی مشترک - کم رنگ شدن ارزش‌های قومی - همبازی مردم - تشابه در نمادها و مراسم مذهبی
اقتصادی	- کشاورزی به‌عنوان معیشت غالب - شیوه تولید ترکیبی و سنتی - دامداری در هر دو محدوده ابتدا به شکل بهره‌برداری خانگی - تأثیر نوع شغل و بیش از آن درآمد در مسکن - عدم جدایی‌گزینی طبقاتی به دلیل شغل
کالبدی	- استفاده بیشتر از خدماتی مانند برق و پوشش امواج رادیو و تلویزیونی - خدمات روبنایی نسبتاً مشابه - کتابخانه، مسجد و حسینیه مشترک - ملکی بودن مساکن در جلگه و کوهستان - خریداری لوازم منزل از شهر

مأخذ: رودباری، سیده مرضیه، ۱۳۸۴، مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مولایی هسجین، نصرالله، گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، ص ۱۷۳

- با توجه به اهداف محوری برنامه‌ریزی توسعه روستایی که شامل تامین رفاه ساکنان روستا بر اساس کارکرد سکونتی و حفظ محیط طبیعی روستا بر اساس کارکرد اقتصادی - تولیدی است (مهدوی، ۱۳۶۹، ۵۲) و تعیین طرحی مشخص جهت توسعه و شکوفایی زندگی روستایی با پیش‌بینی مسائل خاص اجتماعی و اقتصادی در جهت توسعه است که بدون توجه به امکانات مادی و انسانی موجود در روستاها صورت نمی‌گیرد (مولایی هسجین ۱۳۸۱، ۵۲) لذا در این راستا چشم‌انداز فرهنگی به عنوان مطالعه رابطه انسان و محیط، مطالعه علل به‌وجود آورنده منظر روستایی با توجه به ویژگی‌های جمعیتی - اجتماعی، اقتصادی و معیشتی و فضایی روستا و از همه مهم‌تر تأثیرپذیری و تأثیرگذاری اشکال چشم‌انداز روستایی در رابطه با انسان به‌عنوان یک دیدگاه بومی، می‌تواند جهت برنامه‌ریزی‌های بهینه مؤثر قلمداد گردد. چرا که هم در ایجاد یک زیربنای مطالعاتی در

جدول ۷ - تفاوت‌های چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای مورد مطالعه کوهستانی و جلگه‌ای در شهرستان رودسر ۱۳۸۳

عوامل	تفاوت‌های روستاهای جلگه‌ای و کوهستانی
جمعیت	- تعداد جمعیت - کاهش جمعیت در کوهستان بیش از جلگه - افزایش مهاجرت در کوهستان بیش از جلگه - میزان سواد در جلگه بیش از کوهستان
مذهب، زبان، قومیت	- تفاوت در بنای مذهبی - گویش گیلکی در جلگه و گیلکی - گالشی در کوهستان - تفاوت در بعضی واژگان و اسامی - عدم تأثیرات قومی به دلیل یکدستی نسبی
اقتصادی	- نرخ فعالیت جلگه بیش از کوهستان - میزان اشتغال در کوهستان بیش از جلگه - نوع متفاوت کشت براساس محیط طبیعی - نوع متفاوت آبیاری (آبی در جلگه، دیمی در کوهستان) - دامداری در کوهستان بیش از جلگه - تفاوت در تأمین علوفه (کوهستان: مرتع طبیعی، جلگه علوفه دامی) - تأثیر سطح درآمد در جلگه بر کلیه اجزاء مسکن و در کوهستان بیشتر وسعت و لوازم منزل
کالبدی	- عامل استقرار: (در جلگه بیشتر منابع و زمین زراعی)، (در کوهستان آب و چشمه و رودخانه) - خدمات زیربنایی و رونمایی تنوع و تعداد بیشتر در جلگه - تنوع خدمات تجاری در جلگه بیشتر - تنوع مسکن در جلگه بیش از کوهستان در همه اجزاء و ارکان - تنوع در مصالح در جلگه بیشتر تهیه در جلگه از خارج روستا در کوهستان داخل روستا - تفاوت در اجزاء مسکن مثل تالار و کندوج در جلگه و طویله و تنور در کوهستان - تفاوت در نوع و کیفیت راه (در جلگه بیشتر آسفالت و در کوهستان بیشتر خاکی) - تیپ روستا در کوهستان بیشتر مجتمع و در جلگه پراکنده و خطی - تفاوت در نوع حصار (در کوهستان کمتر بوده و در جلگه متنوع)

مأخذ: رودباری، سیده مرضیه -۱۳۸۴ - مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی روستاهای کوهستانی و جلگه‌ای - پایان‌نامه کارشناسی ارشد- استاد راهنما: مولایی هسجین، نصرالله - گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رشت- ص ۱۷۴

خدمت برنامه‌ریزی‌های روستایی قرار گرفته و هم به دلیل تاثیر شدید برنامه‌ریزی‌های روستایی در چشم‌اندازها، می‌تواند به تحلیل پس‌خورند (فیدبک) این برنامه‌ها به‌پردازد.

۳-۳ - راهکارهای پیشنهادی

از جمله راهکارهای پیشنهادی که می‌توان با تحلیل چشم‌اندازهای فرهنگی ارائه نمود عبارتند از:
- توجه به چشم‌اندازهای فرهنگی روستاها در راستای مطالعات روستاشناسی و برنامه‌ریزی‌های بهینه توسعه روستایی
- تقویت جاذبه‌های طبیعی و تلفیق آن با سنت‌های زندگی محلی در برنامه‌ریزی‌های توسعه و تاکید بر حفظ محیط زیست روستا
- حفظ بافت سنتی موجود روستا و استفاده از شیوه‌ها و خصوصیات فرهنگ بومی روستا در مواجهه با مسائل محیطی و ایجاد چشم‌اندازهای فرهنگی خاص روستا
- ایجاد و تقویت کارگاه‌ها و صنایع کوچک روستایی همچون صنایع تبدیلی، بسته‌بندی و ... برای استفاده و

بهره‌برداری‌های مناسب از محصولات کشاورزی در محدوده‌های مختلف طبیعی مانند جلگه و کوهستان - ایجاد تعادل فضایی و ارائه برنامه و طراحی مناسب جهت ساماندهی وضعیت کالبدی روستاها، استقرار بهینه کاربری‌ها و طراحی شبکه ارتباطی مناسب با کارایی بهینه در راستای راحتی تردد خصوصاً در مناطق کوهستانی

- قراردادن اعتبارات بیشتر برای روستاها در محدوده‌های کوهستانی به دلیل سختی شرایط محیطی و هزینه‌های بیشتر آن که اجراء طرح‌های توسعه را با سختی بیشتری روبرو می‌سازد.

- استفاده از ابزار و تکنولوژی‌های ارتباطی همچون برنامه‌های رادیو تلویزیونی، رایانه، روزنامه‌ها و مجلات برای جلب مشارکت مردمی در جهت تحقق اهداف ترویج روستایی

منابع:

- ۱- آراسته خو، محمد، ۱۳۷۰، فرهنگ اصطلاحات حقوقی، اجتماعی، نشر گستره، تهران.
- ۲- بازن، مارسل، برومبِرژ، کریستیان، ۱۳۶۵، گیلان و آذربایجان شرقی، ترجمه مظفر امین فرشچیان، نشر توس.
- ۳- بهفرز، فاطمه، ۱۳۷۴، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- جردن. تری، ج ولسترراوتنری، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، نشر پژوهشگاه هنر و ارتباطات، تهران.
- ۵- رودباری، سیده مرضیه، ۱۳۸۴، مطالعه تطبیقی چشم‌اندازهای فرهنگی روستای کوهستانی و جلگه‌ای، مطالعه موردی: شهرستان رودسر، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، استاد راهنما: مولایی هاشجین، نصرالله، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت.
- ۶- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، ۱۳۸۲، سالنامه آماری استان گیلان ۱۳۸۱.
- ۷- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان- ۱۳۸۳ - فرهنگ جمعیت فعال آبادیهای استان گیلان ۱۳۸۳
- ۸- سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۹- شکویی، حسین، ۱۳۷۷، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، گیتاشناسی، تهران.
- ۱۰- شکویی، حسین، ۱۳۸۲، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد دوم) فلسفه‌های محیطی و مکتبهای جغرافیایی، گیتاشناسی، تهران.
- ۱۱- عظیمی، ناصر، ۱۳۸۱، تاریخ تحولات اقتصادی اجتماعی استان گیلان، نشر گیلکان، رشت.
- ۱۱- کزنگ، مایک، ۱۳۸۳، جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۲- مرکز آمار ایران، ۱۳۵۶، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، استان گیلان.
- ۱۳- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، شهرستان رودسر.
- ۱۴- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، فرهنگ آبادیها، شهرستان رودسر
- ۱۵- مولایی هاشجین، نصرالله، ۱۳۸۲، تحلیلی پیرامون کاربرد جغرافیا در برنامه ریزی توسعه فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی در ایران، نشریه فضای جغرافیایی، سال دوم، شماره ۶ تابستان ۱۳۸۱، صص ۴۸-۶۶.
- ۱۶- مهندسان مشاور شمال، ۱۳۸۰، مکان یابی فضاهای گردشگری، سازمان ایران گردی و جهانگردی استان گیلان.
- 17- (www)Armstrong, Helen, 2001, Embracing culturae diversity.
- 18- www) Birnbaum Charles, 1999, protecting cultural landscape.
- 19- Johnston, Ronald& Derek Gregory, 1998, the Dictionary of Human Geography, Blackwell.
- 20- (www) Petrarca., 2002, European Academy for the cultural landscapes.
- 21- (www) van velzen, wim, 2003, wim van velzen photography.